



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

شیرین قلم

گلاب به رویتان، خبر نگار شدم...

وارد تحریریه روزنامه شدم، سلام کردم، کسی من را ندید، همه درگیر بودند، رفتم جلوتر شاید من را ببینند، همه گوشی به دست از این طرف تحریریه به آن طرف و برعکس راه می رفتند و در حال صحبت بودند، دوستانم بالاخره متوجه من شدند آمد جلو و با تعجب پرسید: تو اینجا چیکار می کنی؟ گفتم: اومدم ببینم، معاون سردبیر، کلافه و پریشان از کنار ما رد شد و گفت: گندش بزنی! نفهمیدم منظورش به کی بودا عقل اندر سفیه، نگاهش کردم تا جلش جابجایید، سر دبیر که فقط و فقط از پشت میزش می تونست به وجاهت کارش شان بدهد، روی صندلی نشست و داد زد: معلومه اینجا چه خبره؟ چه وضعیای یعنی به خبرنگار نیست که اسمش رو رد کنیم واسه جشنواره؟ دوستانم گفت نه آقا، یکی دوتفر که جشنواره رو تحریم کردن، یکی دوتفرم دوران نقلت بعد از جشنواره کیش رومی گذروتن، البته چند نفری هم جواب تلفن ندادن، چند نفری هم...

معاون سردبیر که از اتاق شیشه ای سردبیر چشم از من بر نمی داشت، گفت: باید به فکر اسلکی کنیم آقا، سر دبیر، بانگاه عقل اندر سفیه به معاونش گفت: واقعا خسته نباشی! سپس هر سه مصمم مثل یک تیم ورزشی دست در گردن هم، سران مبارکشان رابه هم چسباندند و باهم به رفتند توی حلقه مشورت، میان این شورای سربایایی، دوستانم هر از گاهی سرش را با تعجب از جمع جدا و با چشمانی از حلقه بیرون زده تگلگی به من می کرد و می شنیدم که هر دفعه می گفت: نه! نمی تونه! اینکاره نیست! شوخی می کنی! خلاصه از این حرفها... البته غلط نکنم، یکبار از اون نگاههای اش، نگاه عقل اندر سفیه بود، بالاخره، هر سه به اجماعی رسیدند و رویه من، مثل برادران دلتون، تزدیک شدند، سر دبیر، گفت: هی تو... صالها در خلاء گم می شنند و پیدا! ولی دروغ چرا! شنیدم دوستانم پرسید: روت حساب کنیم؟

و تا به خودم بیایم، متوجه شدم اینجا هستیم... بله، کاخ جشنواره چهل و یکم فیلم فجر، گلاب به رویتان، خبرنگار شدم، زیاد جدی ام تغییرید ولی لطفاً برایم آرزوی موفقیت کنید!

اقتشایه جشنواره فجر ۴۱



فیلم های مستند بلند جشنواره فیلم فجر اعلام شد

هیأت انتخاب و داوری بخش مستند بلند چهل و یکمین جشنواره بین المللی فیلم فجر، شامل آقایان: رضا خوشدل راد (تهیه کننده و مستندساز)، مصطفی رزاقی کریمی (مستندساز)، امین قلمی (تهیه کننده و مستندساز)، سلیم غفوری (قلم مقام معاون سیمای تهیه کننده و مستندساز) و خاتم مهدیه سادات محوری (تهیه کننده و مستندساز) اسامی مستند های بلند راه یافته به بخش مسابقه را اعلام کردند.

قصه دختران در «خونه مامان شکوه»

مستند «خونه مامان شکوه» به کارگردانی مهدی بخشی مقدم و تهیه کنندگی مهدی شامحمدی تولید شده در مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی است که در جشنواره سینما حقیقت حضور داشته است و به روایتی از یک کمپ ترک اعتیاد و قصه دختران آن در خلایق است که نام صاحب اش «هلان شکوه» روی آن گذاشته شده و اکنون محلی برای ترک اعتیاد دختران جوان و نوجوان می بردارد. در این مستند به قصه زندگی این دختران چه پیش از حضور در این خانه و چه پس از آن که به زندگی برای پس از خروج از این خانه دارند، پرداخته می شود.

روایتی از عشق و انتظار

مستند «۶۴۱۰ روز اسارت» روایتی از زندگی خلبان شهید حسین لشکری است به کارگردانی زهره نجف زاده که با این اثر ۸۴ دقیقه ای در بخش جایزه شهید آوینی شانزدهمین دوره برگزاری جشنواره سینما حقیقت حضور داشت. این فیلم روایتی از عشق و انتظار است؛ در جوانی است حسینی که خیلی پر شور و شرم عاشق خلبانی است همزمان دلخاسته منیره می شود و وقتی باهم ازدواج می کنند وصال کوتاهی به انداز یک سال و چند ماه دارند و پس از آن زمره های نفوذ عراق به مرزهای ایران به گوش می رسد.

دنیای وحشی زاگرس

فرشاد فشین پور از مستندسازان فعال در عرصه محیط زیست و حیات وحش است. فشین پور با مستندهایی که طی سال های اخیر ساخته به متبعی مهم برای پژوهشگران و محققان بدل شده است. این فیلم سفری است برای دیدن کوه های شگفت انگیز و ملاقات با کسلی که در تمام زمان های سال تلاش می کنند تا در این کوهستان زندگی کنند و به نسل خود امتداد ببخشند. پیغام اصلی مستند دنیای وحشی زاگرس هم همین هشدار همیشگی است که چه خطری زمین و موجودات دیگرش را تهدید می کند و ما انسان ها چگونه می توانیم در حفظ آن بکوشیم.

چرا افغانستانی ها مهاجرت کردند؟

مستند «در پس جنگ» به کارگردانی محمد حسین محمودیان درباره مرز میان سرزمین افغانستان است. مستند با این سؤال آغاز می شود که: «بیش از ۴ دهه است که مهاجران افغانستانی را در ایران می بینیم، بر این مرز میان چه گذشته که امروز بسیاری از آنها مهاجر هستند؟» در این مستند، دوره جهاد را در کشور افغانستان به تصویر کشیده شده است، دوره جهاد، در این کشور است که مردم افغانستان مقلد حکومت متجاوز شوروی ایستادگی می کنند. این مستند به پای صحبت با طیف های گوناگون و قومیت های متفاوت این مردم نشست است.

زندگی یک طلبه دل سوز در غیرمسکونی

مستند «غیرمسکونی» به کارگردانی مسعود زارعیان بازتابی واقعیت زندگی ساده یک طلبه دل سوز است. روایت برشی از زندگی زندگی یک روحانی کشمگر و دغدغه مند در حوزه معضلات فرهنگی اجتماعی و حتی اقتصادی در حاشیه شهر مشهد است که در طی یک سال رابطه ای بسیار صمیمی و نزدیکی با همه فشار محله ایجاد کند. طلبه ای که هم به دنبال رفع آسیب های اجتماعی، در حاشیه شهر مشهد در خلال فعالیت های مردمی اش در حاشیه هایی برایش ایجاد می شود که به زندگی خصوصی او با همسرش لطمه می زند.

روایت زندگی یک پیرمرد

«کوهستان بی صدا» عنوان مستندی به کارگردانی فرود عوض پور از تولیدات مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است که روایت زندگی یک پیرمرد در کوهستان را بیان می کند. داستان این مستند درباره «پیرمردی (ناشناخته و لال) با بیش از ۷۰ سال است که به تنهایی در کوهستان زندگی می کند. او تمام عمر خود را در این منطقه بوده و تا کنون از آنجا بیرون نرفته است. این پیرمرد دغدغه از ازدواج صاحب سه فرزند می شود ولی به خاطر مشکلات فراوان، عدم وجود مدرسه و بهداشت و شرایط زندگی سخت در کوهستان همسرش او را ترک می کند.



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir